

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۴، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰، صفحات ۱۷۳-۱۹۳

جایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان روستایی و تأثیر باورهای اجتماعی بر آن: مطالعه موردی روستاهای کوهپایه‌ای فومنات*

حسن افراخته**

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۸/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۱/۲۴

چکیده

در اغلب نقاط جهان، به‌ویژه در جامعه روستایی، زنان نسبت به مردان محروم‌تر و آسیب‌پذیرترند. هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی جایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان روستایی و نقش باورهای اجتماعی در آن است. روستاییان کوهپایه‌ای فومنات ناحیه مورد مطالعه تحقیق را تشکیل می‌دهند. گردآوری داده‌های تحقیق از طریق مشاهده، بررسی میدانی، مصاحبه با اعضای شوراهای اسلامی، تکمیل پرسشنامه و برخی اسناد صورت می‌گیرد. این داده‌ها براساس مطالعه تطبیقی و نیز آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل می‌شوند. یافته‌ها نشان می‌دهند که جامعه روستایی توسعه‌نیافته دارای باورها و نظام نهادی ویژه است که در جامعه، موقعیتی نازل را به زنان تحمیل می‌کند. با افزایش آگاهی‌ها و تغییر باورها، می‌توان بستر لازم برای بهبود جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی را فراهم، و روند توسعه جامعه روستایی را تسریع کرد.

* پژوهش حاضر با حمایت قطب علمی تحلیل فضایی مخاطرات محیطی دانشگاه تربیت معلم انجام شده است.
** استاد گروه جغرافیای دانشگاه تربیت معلم تهران (afrahkhteh@tmu.ac.ir).

کلیدواژه‌ها: زنان روستایی / موقعیت اجتماعی - اقتصادی / باورهای اجتماعی / فومنات (استان گیلان).

مقدمه

پایگاه اقتصادی - اجتماعی، شاخصی ترکیبی است که تجربه کاری و موقعیت اجتماعی و اقتصادی فرد نسبت به دیگر افراد جامعه را بیان می‌دارد (Marmot, 2004: 38). موقعیت اقتصادی و اجتماعی افراد از ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه تأثیر می‌پذیرد. زنان نیمی از جامعه روستایی را تشکیل می‌دهند. در اغلب نقاط جهان، زنان نسبت به مردان محروم‌تر و آسیب‌پذیرترند؛ و در جوامع روستایی، این آسیب‌پذیری به نسبت شدیدتر است. زنان، با وجود مشارکت در بسیاری از فعالیت‌ها در سطح روستا، از جایگاه و رتبه خاص اجتماعی برخوردار نیستند (ویسی و بادیار، ۱۳۸۴: ۱۹-۴۲). در بخش کوهپایه‌ای ناحیه تاریخی فومنات، حدود ۸۱ آبادی روستایی وجود دارد. شواهد حاکی از آن است که در این روستاها، زنان روستایی از موقعیت شایسته خود برخوردار نیستند. هدف اصلی تحقیق حاضر عبارت است از شناخت جایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی و تأثیر باورهای اجتماعی بر آن؛ از این رو، بر آنیم که به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

۱- زنان روستایی از چه جایگاه و موقعیت اجتماعی - اقتصادی در جامعه روستایی برخوردارند؟

۲- باورهای اجتماعی در موقعیت اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی چه نقشی دارند؟ زنان روستایی مولدان و مبدلان محصولات کشاورزی در نظام اقتصادی بوده، در جایگاه مدیران داخلی خانواده‌های خود، اعضای مؤثر جامعه برای مشارکت در توسعه و عمران روستایی به‌شمار می‌روند و باید سهم خود را در تعیین سرنوشت و مشارکت در اداره جامعه روستایی ایفا کنند (شهبازی، ۱۳۷۲: ۴۱۴-۴۱۶). از این رو، توجه به وضعیت زنان روستایی تلاشی است برای شناسایی هر چه دقیق‌تر و ارزش‌گذاری

فعالیت‌های آنها و نیز رفع مسائل و موانع گسترش فعالیت زنان روستایی از جمله الزامات توسعه روستایی. بررسی موقعیت زنان روستایی در روند توسعه و درک محدودیت‌ها و تنگناهای موجود ضروری است و نتیجه تحقیق می‌تواند دست‌مایه کار برنامه‌ریزان توسعه روستایی قرار گیرد.

پیشینه تحقیق

در مورد فعالیت اقتصادی و اشتغال زنان روستایی در ایران مطالعاتی محدود انجام شده که آن هم اغلب به مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی و عوامل مؤثر بر اشتغال زنان اختصاص داشته است (خواججه‌نوری و حاتمی، ۱۳۸۶: ۴۲-۵۳). در خانوارهای روستایی، زنان در انجام امور تولید از مردان فعال‌ترند، اما قدرت و نفوذ مردان در خانواده بسیار بالاست (سرمدی و همکاران، ۱۳۷۳: ۱۷-۲۵). بیش از ۹۶ درصد زنان روستایی حداقل از یک فعالیت اقتصادی مکمل درآمد خانواده برخوردارند؛ اما نوع و میزان فعالیت‌های اقتصادی آنها تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی است. زنان روستایی فعال در اقتصاد روستا و خانواده خود مالک عوامل تولید نیستند؛ از این‌رو، با وجود حضور گسترده در فعالیت‌های اقتصادی، در استفاده از اعتبارات دولتی (وام‌های بانکی) با موانع متعدد روبه‌رو می‌شوند (رسول-پورعربی، ۱۳۷۶: ۴۵-۸۰). پژوهشی در استان همدان نشان داده است که پایگاه اجتماعی و اقتصادی ۹۳/۵ درصد از زنان بسیار پایین، و تنها ۲/۹ درصد در سطح متوسط و ۲/۸ درصد در سطح بالا و خیلی بالاست (بابایی، ۱۳۷۹: ۶۷-۶۹). بررسی‌ها نشان می‌دهد که بین تحصیلات و مشارکت اقتصادی زنان روستایی رابطه معکوس وجود دارد. با افزایش سن، مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی بیشتر می‌شود؛ و برعکس، با افزایش تحصیلات و درآمد مردان، مشارکت زنان کمتر می‌شود (لهسایی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۵-۴۲). نتیجه یک تحقیق نشان داده که میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های مالی، اجتماعی و تصمیم‌گیری بسیار پایین است. مشارکت پایین زنان در

کارها و فعالیت‌های خارج از خانه با آثار نامطلوب بر حفظ حقوق آنها همراه شده است (ویسی و بادسار، ۱۳۸۴: ۱۹-۴۲). در حالی که زنان ۴۹ درصد جمعیت روستایی را تشکیل می‌دهند، ۶۵ درصد از فعالیت‌های کشاورزی را به انجام می‌رسانند (UN, 1999: 1-5). طبق بررسی‌های فائو، با متأهل و بچه‌دار شدن زنان و ارتقای مهارت آنها، میزان دسترسی به منابع و در نتیجه، قدرت تصمیم‌گیری آنها در خانواده افزایش می‌یابد (FAO, 1999: 1-9). با وجود اهمیت نقش زنان در فعالیت‌های کشاورزی، در آمارها، فعالیت آنها به‌عنوان «کار» منظور نمی‌شود (لهسایی‌زاده، ۱۳۷۶: ۷۸). براساس نتیجه یک تحقیق دیگر، دو نوع مانع ساختاری و غیرساختاری بر مشکلات سیاسی و اقتصادی زنان تأثیر گذاشته است: شخصیت و ویژگی جنسیتی به همراه خصوصیات جسمانی خاص، از یک سو، و موانع سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، قانونی و اقتصادی، از سوی دیگر، همگی سبب شده است که در یک فرایند درازمدت، به‌جز نقش‌های خانوادگی زنان مانند شوهرداری و تربیت کودکان، در سایر زمینه‌ها، بانوان جنس دوم محسوب شوند (خلیلی، ۱۳۸۶: ۱۶۵-۱۸۶). براساس نتایج تحقیقی در شهرستان همدان، سطح تحصیلات همسران زنان مورد مطالعه، شاخص اعتماد به نفس در بین زنان روستایی، پس‌انداز، مهارت‌های اقتصادی زنان، تحرک اجتماعی زنان و نگرش برابر جنسیتی موجب بهبود جایگاه اقتصادی زنان می‌شود (سروش‌مهر و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۳-۱۶۵). مشارکت سیاسی را می‌توان در دو سطح مشاهده کرد: در سطح توده مردم، مانند شرکت در انتخابات، احزاب، و انجمن‌ها؛ و در سطح نخبگان، مانند حضور در مجلس و قوه مجریه (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳: ۲۱۷). ولی وقتی هدف از مشارکت زنان تنها حضور آنها در پای صندوق‌های رأی باشد، موجبات ایجاد آسیب اجتماعی در جامعه فراهم می‌شود (خلیلی، ۱۳۸۶: ۱۶۵-۱۸۶).

از این رو، آنچه پژوهش حاضر را از مطالعات پیشین متمایز می‌سازد، توجه خاص به جایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان روستایی از دید باورهای اجتماعی و با تکیه بر بررسی محلی است.

مبانی نظری

از نظر جامعه‌شناختی، سه دیدگاه در رابطه با جنسیت و توسعه مطرح شده و بر همین مبنا، رویکردهایی برای توسعه‌یافتگی زنان ارائه شده است (پاپی‌نژاد و محبی، ۱۳۸۹: ۳۹):

اول، دیدگاه زن در توسعه^(۱) (جدایی برابر)؛ در این دیدگاه، زنان جدای از مردان و اما برابر با آنها تعریف می‌شوند. این دیدگاه دارای سه رویکرد رفاه، فقرزدایی و کارآیی است (پاپی‌نژاد و محبی، ۱۳۸۹: ۴۰-۴۲).

دوم، دیدگاه جنسیت و توسعه^(۲) (برابر ولی متفاوت)؛ در این دیدگاه، بر هر سه نقش زنان یعنی، نقش‌های اجتماعی، تولید مثل، و تولیدکنندگی تأکید شده و باور بر این است که با توجه به خصوصیات و نیاز زن و مرد، باید فرصت‌ها به‌گونه‌ای در اختیار آنها قرار گیرد که بتوانند وظایف خود در زندگی را به‌خوبی انجام دهند (خانی، ۱۳۸۶: ۲۸-۲۹). بر مبنای این دیدگاه، ریشه‌ی زبردست بودن زنان تنها در چارچوب خانواده نیست بلکه باید آن را در روابط بین زن و مرد در بازار کار نیز جستجو کرد (دفتر امور زنان ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، ۱۳۷۲: ۹۷-۹۸). آلیس رزی^(۳) سه مدل نظری را برای برابری جنسیتی مطرح می‌کند: مدل تکثرگرا^(۴)، مدل همانندگرا^(۵)، و مدل دوجنسیتی^(۶) (سراج‌زاده و جواهری، ۱۳۸۵: ۶۹-۸۵).

سوم، دیدگاه زن و توسعه (نهادگرا)؛ در این دیدگاه، نظام جامعه شامل ارزش‌ها، باورها و اعتقادات، و روش‌ها و ارکان سازمان‌های حکومتی و دولتی در قالب نهادها به‌صورت کامل و به‌هم‌پیوسته مد نظر قرار می‌گیرد. دیدگاه زن و توسعه مناسب‌ترین رویکرد توانمندسازی^(۷) زنان است (قره‌یاضی، ۱۳۸۲: ۷۲). این دیدگاه دارای دو رویکرد است: الف- رویکرد توانمندسازی زنان، که از سه عنصر اصلی رشد آگاهی‌ها توأم با انتقادگری، توسعه‌ی ظرفیت‌ها برای تحول کارساز براساس واقعیات موجود، و تقویت سازمان‌دهی اقشار گوناگون تشکیل شده است؛ ب- رویکرد برابری جنسیتی^(۸)،

که در قالب یکی از اهداف برنامه‌های توسعه انسانی سازمان ملل دارای سه جزء مهم و اساسی است: برابری فرصت‌ها برای تمام افراد، ادامه پایداری این‌گونه فرصت‌ها از یک نسل به نسل دیگر، و توانمندسازی افراد به‌گونه‌ای که بتوانند در فرایند توسعه شرکت کرده، از منافع آن بهره‌مند شوند (پاپی‌نژاد و محبی، ۱۳۸۹: ۵۴). براساس نظریه‌های جنسیتی، موقعیت‌های تابعی زن در بازار کار، خانه و خانواده در ارتباط با یکدیگرند و بخشی از یک نظام اجتماعی کل به‌شمار می‌روند که در آن، زنان تابع مردان هستند (نوری و علی‌محمدی، ۱۳۸۸: ۸۷-۱۰۴). براساس نظریه‌های جنسیتی، مادامی که زنان روستایی، با وجود نقش مهم آنها در چرخه اقتصاد خانوار و جامعه، نتوانند از طریق عواملی چون آموزش، کسب درآمد، مالکیت بر منابع، و امکان پس-انداز، به سطحی از توسعه فردی دست یابند که بدانها امکان انتخاب براساس خواسته-هایشان داده شود، این نقش‌های خاموش و این بازیگران پنهان در جوامع روستایی به جایگاهی با منزلت انسانی درخور آن نخواهند رسید (امینی و احمدی شاپورآبادی، ۱۳۸۸: ۷-۲۹). به نظر اوکلی^(۹)، چون اعتقاد غالب مبتنی بر عدم پذیرش خانه‌داری به-منزله کار است، زنان از منزلت شایسته برخوردار نیستند (صالحین، ۱۳۸۲: ۳۱-۵۹). الگوهای رفتاری و کنش‌های زنان تابعی از عوامل اجتماعی و فرهنگی‌ای است که جامعه بدانها تحمیل می‌کند (وثوقی و یوسفی آقابین، ۱۳۸۴: ۱۹۵-۲۲۴).

پاسیون^(۱۰)، از صاحب‌نظران جغرافیای ادراکی و رفتاری، اظهار می‌دارد که اغلب، انسان‌ها در محیط براساس اعتقاداتشان عمل می‌کنند (بهورز، ۱۳۷۰: ۳۱-۷۱). جان کرتلند رایت^(۱۱) معتقد است که اغلب، عمل انسان مبتنی بر باور و عقاید اوست و به همین دلیل، هنگام تحلیل فضایی، پژوهشگر باید علاوه بر مطالعات محیطی، به بررسی تفکرات همه مردم نیز بپردازد. به باور جانستون^(۱۲)، رفتار انسان از محیط طبیعی، محیط اجتماعی (شرایط فرهنگی، و ساختارهای نهادی و سازمانی)، و محیط انسان-ساخت (شهر، روستا، و محله) تأثیر می‌پذیرد (شکویی، ۱۳۸۲: ۱۱۲-۱۲۶). اهمیت عامل «باورهای غالب جامعه» تا آنجاست که به عقیده گروهی از محققان، توسعه و

پیشرفت جایگاه افراد در گرو بازسازی و نوسازی جامعه براساس اندیشه‌ها و باورهای تازه و نهادینه شدن آنهاست (عظیمی، ۱۳۸۳: ۳-۵). برابری جنسیتی در اسلام، از یک سو، بر مبنای وجود شناخت طبیعی استوار است و از سوی دیگر، در راستای تحقق اهداف غایی دین به‌ویژه سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها قرار دارد (مطهری، ۱۳۸۷: ۳۷-۸۵).

آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی بر عهده زنان روستایی است که منجر به کسب درآمد ملموس نمی‌شود و به همین دلیل، از موقعیت اجتماعی- اقتصادی پایین‌تر و دسترسی و مالکیت محدود بر منابع برخوردار بوده، کنترل زندگی و درآمدشان در دست مردان است (Afshar, 1998: 66). براساس مطالعات زبیدان، در بیشتر جوامع روستایی، علت عمده استقلال اقتصادی کنترل بر زمین و متعلقات آن است و مالکیت حتی یک قطعه زمین کوچک نیز اهمیت حیاتی دارد. با توجه به عدم کنترل زنان بر حقوق زمین، همواره پایگاه آنها در جامعه وابسته به مردان است، چرا که دسترسی به اعتبار و دیگر خدمات اغلب در ارتباط مستقیم با دسترسی به زمین است (Zobeidan, 1994: 123-141). از این رو، سیاست‌گذاران برآنند تا به‌جای نظریاتی که در آن، «مادر بودن» مهم‌ترین نقش زن روستایی در فرایند توسعه است، به نظریه‌های دیگری روی آورند که به پایگاه اجتماعی- اقتصادی زنان روستایی به‌مثابه تولیدکنندگان توجه داشته باشند (سروش‌مهر و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۳-۱۶۵). با توجه به مطالب پیش‌گفته، می‌توان مدل نظری تحقیق را به‌صورت زیر خلاصه کرد:

جامعه روستایی ساکن روستاهای کوهپایه‌ای توسعه‌نیافته دارای نظام ارزشی (اعتقادات و باورهای اجتماعی) و نظام نهادی ویژه‌ای است که سبب می‌شود زنان از موقعیتی نازل در جامعه برخوردار باشند؛ و در نتیجه، دسترسی آنها به منابع تولید بسیار محدود و اختیار مالی و قدرت تصمیم‌گیری آنها نیز محدود بوده، مشارکتی فعال در روند توسعه جامعه نداشته باشند. در چنین شرایطی، این چرخه معیوب همچنان تداوم خواهد داشت.

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر مبتنی بر مطالعه محلی و اسنادی است. جامعه مورد مطالعه را حدود ۸۱ آبادی واقع در ارتفاعات بالاتر از دویست متری ناحیه تاریخی فومنات (شهرستان‌های صومعه‌سرا، شفت، و فومن) تشکیل می‌دهد، که تنها ۳۲ آبادی دارای جمعیت دائمی است. کل ساکنان این آبادی‌ها ۲۸۳۷ خانوار شامل ۱۱۲۶۳ نفر است. وجه مشترک همه روستاهای مورد مطالعه معیشت مبتنی بر ترکیبی از دامداری سنتی و کشاورزی کم‌رونق بوده اما روند تحول معیشت در نقاط مختلف متفاوت بوده است. از این‌رو، ابتدا روستاها براساس موقعیت جغرافیایی و روند معیشت، به سه نوع مختلف طبقه‌بندی شده است: نوع غربی شامل آبادی‌های واقع در دهستان آلیان (پنج آبادی) که در آنها، تا سال‌های اخیر، دامداری سنتی بسیار فعال بوده، مگر در جایی که برنامه‌ریزی دستوری «طرح خروج دام از جنگل»^(۱۳) شوکی بر زندگی آنها وارد آورده است؛ نوع مرکزی شامل آبادی‌های واقع در دهستان سردار جنگل (چهارده آبادی) که در آنها، فعالیت کارگری روزمزدی نقش پررنگ‌تری در معیشت مردم بازی می‌کند؛ و نوع شرقی شامل آبادی‌های واقع در دهستان‌های گوراب‌پس، احمدسرگوراب، و چوبر (سیزده آبادی) که در منزل مقام دامداری سنتی در معیشت روستایی پیشتاز بوده و کشت چای در باغ‌های شیب‌دار دامنه‌ها را مکمل معیشت روستایی کرده‌اند. آنگاه از میان این سه نوع روستا، در مجموع، سیزده روستای نمونه با ۱۵۴۲ خانوار مشخص شده است. سپس، در روستاهای نمونه، با تکیه بر روش کوکران، و با در نظر گرفتن اطمینان بیشتر، تعداد ۲۳۰ خانوار نمونه متناسب با جمعیت هر روستا و به‌طور تصادفی انتخاب شده و با مراجعه مستقیم به خانوارهای نمونه، پرسشنامه تحقیق تکمیل شده است.

برای تعیین روایی پرسشنامه از طریق اعتبار محتوا، از نظرات همکاران دانشگاهی و دبیران محلی دارای تجربه این نوع تحقیقات استفاده شده و اصلاحات لازم در پرسشنامه صورت گرفته است. برای تعیین پایایی پرسشنامه، از روش تنصیف^(۱۴) استفاده شده، که ضریب همبستگی برابر با ۰/۶۷ به‌دست آمده است. آنگاه ضریب

قابلیت اعتماد کل با استفاده از معادله اسپیرمن- براون برابر با $0/8$ محاسبه شده، که بیانگر قابلیت اعتماد پرسشنامه بوده است.

برای بررسی «موقعیت اقتصادی- اجتماعی زنان روستایی» به عنوان متغیر وابسته، از دو نوع شاخص استفاده می‌شود:

شاخص‌های مستقیم: الف- میزان درآمد ماهیانه، که شاخصی مناسب برای شناخت موقعیت زنان است. اما در این ناحیه، هیچ‌کدام از زنان کار رسمی خارج از خانه، که منجر به درآمد شود، ندارند و کار در مزارع خانوادگی یا دامداری سنتی نیز برای آنها متضمن درآمد اختصاصی نیست؛ از این رو، شاخص «میزان درآمد ماهیانه» در این ناحیه غیرقابل استفاده است؛ ب- میزان تحصیلات به سال یکی از شاخص‌هایی است که می‌توان از آن در تعیین موقعیت زنان ناحیه استفاده کرد. فرض تبعی عدم تساوی تحصیلات زنان و مردان، با استفاده از آزمون t مستقل، آزموده شده است؛ ج- میزان درآمد در کارهای روزمزدی، که گرچه این شاخص در هر سال قابل محاسبه بوده است، اما نمی‌توان آن را مبنای تعیین موقعیت زنان قرار داد؛ زیرا اول آنکه اغلب، زنان خانواده‌های فقیر در کار روزمزدی مزارع و نظافت منازل خانوارهای مرفه شهری مشارکت می‌کنند و دیگر آنکه این‌گونه درآمدها ثابت و تضمین شده نیست. اما در همین بخش، می‌توان از بررسی مزد زنان و مردان در کار مشترک (کشت برنج روزمزدی) به صورت شاخصی برای تعیین موقعیت زنان استفاده کرد. این فرض فرعی (مزد نابرابر زن و مرد در کار مساوی) با انجام آزمون ویلکاکسون بررسی شده است.

شاخص‌های غیرمستقیم: شاخص‌هایی چون میزان دارایی تحت مالکیت افراد مسکونی، و خودرو (Chuma and Molyneux, 2009: 83-93)، با متغیرهایی مانند زمین زراعی، منزل مسکونی، و خودرو (Lindelov, 2006: 263-279)، برای تعیین موقعیت افراد مناسب شناخته شده است. در ناحیه مورد مطالعه، با توجه به اقتصاد حاکم و فرهنگ عامه مردم، اعتبار برخورداری از دارایی املاک به‌ویژه منابع تولید بالاست. به همین دلیل، در اینجا، از متغیرهایی چون مالکیت زمین مزروعی، دام، منزل مسکونی، میزان پس‌انداز، و وام دریافتی زنان از منابع دولتی، که بیانگر اعتبار آنهاست، استفاده می‌شود.

در بررسی عوامل مؤثر بر موقعیت اقتصادی و اجتماعی زنان، باورهای اجتماعی مرسوم ناحیه (باور زنان در مورد تساوی زن و مرد، میزان تبعیت زن از دستور مرد، و اعتقاد به توانایی زنان در اداره خانوار و کسب خارج از خانه) به صورت متغیر مستقل ملاک عمل قرار گرفته است. در بررسی نقش متغیر مستقل (باورهای اجتماعی) در تعیین جایگاه اقتصادی- اجتماعی زنان (متغیر وابسته)، از آزمون رگرسیون خطی استفاده شده است.

بحث و نتایج

اساس اقتصاد جامعه مورد مطالعه بر دامداری سنتی مبتنی بوده، حدود نوزده درصد روستاها دارای مزارع کشت برنج است. در برخی از روستاها از جمله بخش جنوب غربی، به ویژه در گذشته، چایکاری نیز رواج داشته است. در فصل کشت برنج، زنان روستایی به عنوان کارگر روزمزد در مزارع کشت برنج نواحی جلگه‌ای مشارکت می‌کنند (پورفیکویی و بازن، ۱۳۸۳: ۱۰۵-۱۱۳).

در جدول ۱، درصد کار انجام‌شده و درآمد به دست آمده از سوی زنان و مردان در خانوارهای مختلف آمده است. در بخش زراعت، حداقل ۵۷/۰۵ درصد و در بخش دامداری نیز حداقل ۴۰/۹ درصد از درآمد تولیدی به زنان اختصاص دارد؛ و همچنین، در خانواده‌هایی که با کارگری روزگار می‌گذرانند، حداقل درآمد زنان به ۲۱/۰۵ درصد می‌رسد. تنزل سهم زنان در تحصیل درآمد در خانوارهای کارگر ناشی از دو عامل است: نخست آنکه برای زنان ناحیه، فرصت‌های کار در خارج از فعالیت‌های زراعی بسیار محدود و منحصر به نظافت برخی منازل اقشار مرفه است؛ در حالی که برای مردان کارگر، احتمال دستیابی به حداکثر ۳۴۵ روز کار در سال به ویژه در بخش ساختمانی وجود دارد، این فرصت برای زنان حداکثر ۷۵ روز در سال است؛ و دیگر آنکه مزد زنان به دلایل مختلف حتی در کار مشابه نیز کمتر از مزد دریافتی مردان است. در مجموع، متوسط مزد مردان ۲۵ هزار تومان و متوسط مزد زنان ۱۵ هزار تومان در

سال ۱۳۸۹ قابل محاسبه بوده است. این ادعا با انجام آزمون ویلکاکسون در مورد مزد دریافتی زنان و مردان در فعالیت زراعی روزمزدی هم تأیید می‌شود، به گونه‌ای که خروجی آزمون ویلکاکسون در رابطه با مزد دریافتی زنان و مردان در فعالیت زراعی دارای معنی داری ۰/۰۰۲ و کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. اشاره به حداقل درآمد تولیدی از آن روست که در ۹۲/۲ درصد از خانوارهای روستایی صد درصد کارهای درون خانه از قبیل پخت‌وپز و شستشو و مواظبت از فرزندان و کهنسالان به عهده زنان است. در ۷/۸ درصد بقیه خانوارها، علاوه بر این، زنان خرید نیازهای مصرفی خانواده را نیز بر عهده دارند. اما کار زنان در خانه هرگز فعالیت درآمدزا محسوب نمی‌شود.

جدول ۱- درصد کار انجام‌شده و درآمد به دست آمده از سوی زنان و مردان در خانوارهای مختلف

درصد درآمد		درصد کار		کار و شغل خانوار
		مردان	زنان	
مردان	زنان	مردان	زنان	زراعت
۴۲/۹۵	۵۷/۰۵	۴۲/۹۵	۵۷/۰۵	
۵۹/۱	۴۰/۹	۵۹/۱	۴۰/۹	دامداری
۷۸/۹۵	۲۱/۰۵			کارگری

منبع: یافته‌های پژوهش

براساس داده‌های جدول ۱ و نیز اطلاعات محلی، متوسط حداقل درآمد زنان در ناحیه ۳۸/۳۸ درصد برآورد می‌شود؛ یعنی، زنان علاوه بر کارهای خانه‌داری، همسررداری، و تربیت فرزندان، در فعالیت‌های کشاورزی، دامداری و کار روزمزدی نیز سهم‌اند و سهم آنها در فعالیت خانوار و تولید درآمد قابل توجه است. اما به کار زنان ارزش مساوی با کار مردان داده نشده، ارزش واقعی فعالیت آنها در آمارهای ملی نیز منعکس نمی‌شود (باقری، ۱۳۸۲: ۱-۹). براساس نتایج یک پژوهش، زنان روستایی بیش از دو سوم اوقات بیداری خود را صرف فعالیت‌های تولیدی می‌کنند؛ این رقم به‌طور متوسط، برابر با ۱۰ ساعت و ۲۶ دقیقه در شبانه‌روز است. این زنان، به‌طور

متوسط، در طول شبانه‌روز، حدود ۱۷ دقیقه وقت به نظافت، درمان و اوقات فراغت خود اختصاص می‌دهند، و آموزش و مطالعه در الگوی صرف وقت آنها جایی ندارد (صالحین، ۱۳۸۲: ۳۱-۵۹). در نتیجه، تصویر زن روستایی در کشور ما تصویر انسانی پرتلاش، قانع، صبور و پایدار است (علایی رحمانی، ۱۳۷۴: ۱۱۲-۱۲۱).

میانگین سواد زنان خانوارهای نمونه ۲/۰۹ سال، با انحراف معیار ۳/۳۸، و ارقام میانگین و انحراف معیار سواد مردان در جامعه نمونه، به ترتیب، ۲/۸۲ و ۳/۸۴ سال است. میانگین سواد هر دو گروه پایین و کمتر از سه سال است. بالا بودن انحراف معیار بیانگر بالا بودن میزان نابرابری درون‌گروهی و شمار افراد بی‌سواد در جامعه نمونه است. در ردیف سواد کمتر از دیپلم، درصد زنان (۳۰/۹) کمتر از مردان (۳۸/۱) و به همین ترتیب، در گروه دیپلم نیز درصد زنان (۲/۶) کمتر از مردان (۳/۷) است. همچنین، در گروه لیسانس، درصد مردان برابر با ۱/۱ و درصد زنان دارای این سطح تحصیلات صفر است.

سنجش سواد جمعیت با استفاده از آزمون t مستقل نشان می‌دهد که معنی‌داری آزمون لوین^(۱۵) برابر با ۰/۰۱۶ است؛ در نتیجه، از معنی‌داری آزمون t مستقل مربوط به واریانس غیرمساوی استفاده می‌شود، که برابر با ۰/۰۳۸ و کمتر از ۰/۰۵ و مؤید نابرابری سواد زنان و مردان است. براساس مطالعه محلی، تنها ۱۶/۹۵ درصد از کل زنان جامعه نمونه دارای مالکیت اموال می‌باشند. پس‌انداز زنان محدود به دو نفر یا ۵/۱ درصد بوده و از کل جامعه نمونه، دو نفر اعلام کرده‌اند که از پس‌اندازی در حدود شش میلیون تومان برخوردارند، که از فروش صنایع دستی یا کارگری آنها به‌دست آمده است. بیشترین موارد دارایی مربوط به زمین زراعی و دام بوده و زمین تحت مالکیت ۶۶/۷ درصد زنان کمتر از هزار متر مربع است و تنها ۱۴/۳ درصد آنها زمینی برابر با نیم هکتار را در مالکیت خود دارند. همچنین، تعداد دام‌های کوچک و بزرگ تحت مالکیت زنان غیرقابل توجه بوده، به حداکثر چهار رأس دام بزرگ و پانزده رأس

دام کوچک محدود می‌شود. تعداد کل زنان دارای مالکیت دام، اعم از دام‌های کوچک و بزرگ، یازده نفر و در حدود ۹/۲ درصد از خانوارهای دارای دام در ناحیه است.

در مجموع، چهار نفر یا ۱/۷ درصد از زنان خانوارهای نمونه دارای مالکیت مسکن بوده، تنها ۲۵ درصد آنها مالکیت کامل مسکن را در اختیار دارند. همچنین، کمتر از هفت درصد زنان موفق به اخذ وام شده‌اند، در حالی که این رقم در مورد مردان به ۳۶/۱ درصد رسیده است. میزان وام دریافتی ۷۵ درصد زنان کمتر از دو میلیون تومان بوده، اما این درصد در مورد مردان ۶۳ درصد بوده است. در مقابل، درصد زنانی که قادر به اخذ وام بالاتر از پنج میلیون تومان شده‌اند، ۱۲/۵ درصد بوده، در حالی که این رقم برای مردان ۲۰/۵ درصد بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که زنان روستایی نسبت به مردان از موقعیت نازل اقتصادی و اجتماعی برخوردارند؛ زیرا:

اول آنکه در مجموع، درصد و میزان سواد زنان نسبت به مردان پایین‌تر بوده، به گونه‌ای که درصد باسوادی زنان ۵۷/۳۸ و درصد باسوادی مردان ۶۷/۴۴ است. سنجش سواد جمعیت با استفاده از آزمون t مستقل مؤید نابرابری سواد زنان و مردان است. دوم آنکه به دلایل مختلف، مزد زنان حتی در کار مشابه کمتر از مردان بوده، به گونه‌ای که متوسط مزد مردان ۲۵ هزار تومان و برای زنان ۱۵ هزار تومان در سال ۱۳۸۹ محاسبه شده است. این ادعا با انجام آزمون ویلکاکسون در مورد مزد دریافتی زنان و مردان در فعالیت‌های زراعی روزمزدی هم تأیید شده و بیانگر مزد کمتر زنان در کار مشابه نسبت به مردان است. سوم آنکه دارایی تحت مالکیت زنان نسبت به مردان بسیار ناچیز و پس‌انداز آنها نیز بسیار محدود و اندک است. چهارم آنکه قدرت تصمیم‌گیری زنان در امور اجتماعی و اقتصادی و زمینه مشارکت زنان در امور سیاسی نسبت به مردان بسیار محدودتر است. در جدول ۲، طبقه‌بندی^(۱۶) موقعیت زنان روستایی بر حسب شاخص ترکیبی^(۱۷) آمده است.

جدول ۲- طبقه‌بندی موقعیت زنان روستایی بر حسب شاخص ترکیبی

موقعیت	نوسان شاخص ترکیبی موقعیت	فراوانی	درصد
پایین	۲/۰۹۹ - ۱/۴۴۷	۱۸۱	۹۰/۵
متوسط	۵/۸۰۲ - ۳/۰۹۲	۱۱	۵/۵
بالا	۱۰/۸۹۳ - ۶/۸۲۰	۸	۴/۰
جمع		۲۰۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

در این جدول، شاخص ترکیبی براساس مجموع مقدار استاندارد سواد، مالکیت مزرعه، مالکیت دام، مالکیت منزل، میزان پس‌انداز، و وام دریافتی از منابع دولتی به دست آمده است و براساس خوشه‌بندی سلسله‌مراتبی شاخص ترکیبی، زنان به سه گروه موقعیتی تفکیک شده‌اند: ۹۰/۵ درصد در موقعیت پایین، ۵/۵ درصد در موقعیت متوسط، و ۴ درصد نیز در موقعیت بالا قرار گرفته‌اند.

در جدول ۳، دیدگاه و باور افراد مختلف نسبت به زنان آمده است. براساس این جدول، ۶۳/۱ درصد زنان و ۸۲/۲ درصد مردان اعتقاد دارند که قدرت فکری زن و مرد برابر نبوده، مردان از عقل و خرد بیشتری برخوردارند و به همین دلیل، ۸۷ درصد زنان و ۹۴/۹ درصد مردان اطاعت مطلق از تصمیم مرد را بر زن واجب می‌دانند. ۸۳/۳ درصد زنان و ۹۴/۸ درصد مردان بر این باورند که زنان نباید و نمی‌توانند اختیارات خانواده باشند. همچنین، ۷۹/۴ درصد زنان و ۹۴/۶ درصد مردان با اشتغال زنان در شغل مغازه‌داری موافق نیستند. بنابراین، در ناحیه مورد مطالعه، دیدگاهی قائل به تأخر فرهنگی زنان حاکم است، که البته از نظر خود زنان هم به‌آسانی مقبول است. از لحاظ نظری، موقعیت اقتصادی- اجتماعی زنان تابعی از آگاهی‌ها (سواد و باورهای اجتماعی) است. منزلت اجتماعی زنان بر دسترسی آنها به ابزار تولید، ابعاد دارایی و مشارکت در قدرت سیاسی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد. باید تهی‌دستان روستایی قادر باشند تا حداقل از طریق مشارکت در قدرت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حضور در

سازمان‌های نهادی، در زمینه توسعه مشارکت کنند (الْغُنْمی، ۱۳۷۲: ۶۰). در این ناحیه، دسترسی به امکانات تولید برای کل جامعه روستایی و به‌ویژه زنان بسیار محدود است. مشارکت زنان در قدرت سیاسی و اجتماعی جنبه توسعه‌ای ندارد؛ زنان در تصمیم‌گیری‌ها نقشی ندارند، و در همه رأی‌گیری‌ها مشارکت می‌کنند اما در سازمان‌های مدیریتی (شوراهای روستایی و دهیاری‌ها) حضور ندارند؛ آنها در نهادهای تولیدی نیز غایب‌اند. در نتیجه، مشارکت روستاییان دارای روند مشارکت توسعه‌ای^(۱۸) نیست بلکه بیشتر جنبه مشارکت ابزاری^(۱۹) دارد (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۱۱۹-۱۲۰).

جدول ۳- دیدگاه افراد مختلف نسبت به زنان

مرد		زن		فراوانی	پرسش
خیر	بلی	خیر	بلی		
۱۴۸	۳۲	۸۲	۴۸	تعداد	آیا زن و مرد از نظر قدرت فکری برابرند؟
۸۲/۲	۱۷/۸	۶۳/۱	۳۶/۹	در صد	
۹	۱۶۹	۱۷	۱۱۴	تعداد	آیا اطاعت از تصمیم مرد بر زن واجب است؟
۵/۱	۹۴/۹	۱۳	۸۷	در صد	
۱۶۵	۹	۱۱۰	۲۲	تعداد	آیا زن می‌تواند اختیاردار خانوار باشد؟
۹۴/۸	۵/۲	۸۳/۳	۱۶/۷	در صد	
۱۵۹	۹	۱۲۷	۳۳	تعداد	آیا اشتغال زنان در شغل مغازه‌داری پذیرفتنی است؟
۹۴/۶	۵/۴	۷۹/۴	۲۰/۶	در صد	

منبع: یافته‌های پژوهش

برای تعیین رابطه موقعیت اقتصادی و اجتماعی با ارزش‌ها و باورهای جمعیت، از آزمون رگرسیون خطی استفاده شده است. در این آزمون، متغیر وابسته عبارت است از شاخص موقعیت اجتماعی- اقتصادی، و متغیر مستقل را مجموع امتیازات فرد در پاسخ به چهار پرسش اعتقادی زنان در ارتباط با جایگاه آنها تشکیل می‌دهد.^(۲۰) همچنین، ضریب همبستگی چندگانه (R) برابر با ۰/۷۹۹ است و با توجه به ضریب تعیین، در

حدود ۶۳/۹ درصد از تغییرات در پایگاه اقتصادی و اجتماعی در ارتباط با باورهاست. ثابت معادله برابر با ۰/۰۵۶ و ضریب متغیر مستقل برابر با ۰/۴۹۷ است. می‌توان چنین نتیجه گرفت که نظام آگاهی‌ها و باورهای فرهنگی همراه با نظام‌های سازمانی و نهادی تعیین‌کننده موقعیت اقتصادی-اجتماعی زنان به‌شمار می‌روند.

نتیجه‌گیری

کشورهای پیرامونی سرمایه‌داری دارای اقتصادی دوگانه متشکل از بخش نوین شهری و بخش سنتی عقب‌مانده‌اند (Rostow, 1960). در این جوامع، نوعی خاص از باورها در زمینه روابط انسان با محیط طبیعی و اجتماعی براساس بوم‌شناسی انسانی^(۲۱) پذیرفته شده که به‌گونه‌ای محترمانه جانشین اشکال مختلف جبر محیطی شده است (Johnston et al., 1998: 258). بنابراین، از نظر بوم‌شناسی سیاسی (Peet and Watts, 1996: 6)، عوامل سیاسی است که روابط اجتماعی و روند حاشیه‌ای شدن را تعیین کرده است (Robbins, 2004: 14). به عبارت دیگر، جبر سیاسی و عقیدتی جانشین جبر جغرافیایی شده است که در اثر آن، از نظر اقتصاد سیاسی (شکویی، ۱۳۷۵: ۱۰۰)، گروه‌های متنفذ اقتصادی و سیاسی تخصیص منابع تولیدی کمیاب را در حال و آینده در راستای منافع خود مهار می‌کنند. این عوامل موقعیتی خاص را به انسان تحمیل می‌کنند و زنان را عاملی بالفعل می‌سازند که در نظام قدرت و تصمیم‌گیری شریک دست پایین باشند. از این‌رو، در ناحیه مورد مطالعه، زنان از جایگاه اقتصادی-اجتماعی نازل برخوردارند. به دیگر سخن، جامعه روستایی توسعه-نیافته دارای باورها و یک نظام نهادی ویژه است که در جامعه، موقعیتی نازل را به زنان تحمیل کرده و در نتیجه، دسترسی زنان به منابع تولیدی بسیار ناچیز و مشارکت فعال آنها در روند توسعه جامعه بسیار محدود شده است. در اثر این وضعیت، روندی دایره‌وار ایجاد شده که شرایط موجود را به‌نسبت پایدار ساخته است. با تلاش در راستای افزایش آگاهی‌ها، تغییر باورها و نهادینه‌سازی مسائل جنسیتی در بطن فرایند

توسعه، می‌توان بستر لازم برای بهبود جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی را فراهم ساخت و از این رهگذر، به تقویت روند توسعه جامعه پرداخت.

یادداشت‌ها

1. women in development
2. gender and development
3. Alice Rosy
4. pluralist
5. assimilation
6. androgynous
7. empowerment
8. gender equality
9. Oakley
10. Michael Pacione
11. John Kirtland Wright
12. Ronald J. Johnston

۱۳- براساس مطالعات طرح جامع مقدماتی ۱۳۶۴ سازمان جنگل‌ها و مراتع، اجرای طرح سامان‌دهی خروج دام و تجمیع جنگل‌نشینان در راستای کاهش تخریب منابع جنگلی و بهبود وضعیت جنگل و تجدید حیات طبیعی آن پیشنهاد شد. این طرح در ۱۳۸۱ با عنوان طرح جامع صیانت از جنگل‌های شمال با در نظر گرفتن اعتبارات ویژه تصویب شد و خروج دام از جنگل نیز یکی از اهداف آن محسوب می‌شود. طرح یا شده، با رویکرد بهینه‌سازی مدیریت جنگل‌داری و جنگل‌شناسی و با هدف حفاظت فیزیکی، توسعه جنگل، بهینه‌سازی مدیریت جنگل‌داری، رفع مشکلات اجتماعی و بسترسازی و تکمیل عملیات شناسایی و ممیزی اراضی، از ۱۳۸۱ تاکنون در دست اجراست (عبدالله‌پور، ۱۳۸۵).

14. split-half method
15. Levene's test

۱۶- طبقه‌بندی براساس خوشه‌بندی سلسله‌مراتبی شاخص ترکیبی صورت گرفته است.

۱۷- composite Z score؛ مجموع مقدار استاندارد سواد، مالکیت مزرعه، مالکیت دام، مالکیت منزل، پس‌انداز، و وام از منابع دولتی.

18. development participation
19. instrumental participation

۲۰- مثلاً اگر فردی به پرسش‌های مربوط به تساوی قدرت فکری زن و مرد، توان زن در اداره خانه، و توان زن در شغل مغازه‌داری پاسخ مثبت داده و در عین حال، پاسخ او به پرسش‌های خوب اطاعت از تصمیم مرد نیز مثبت باشد، مجموع امتیاز او ۳ خواهد بود.

21. human ecology

منابع

- امینی، مظفر و احمدی شاپورآبادی، محمدعلی (۱۳۸۸)، «خوداتکایی زنان روستایی و تبیین عوامل اقتصادی مؤثر بر آن: مطالعه موردی استان اصفهان». *پژوهش زنان*، دوره ۷، شماره ۴ (زمستان ۱۳۸۸)، صص ۲۹-۷.
- الغُنی، ام. آر. (۱۳۷۲)، بحران فقر روستایی: آیا مشارکت می‌تواند آن را از میان بردارد؟. ترجمه ناصر اوکتایی. *گاهنامه روستا و توسعه*. شماره ۵ (شهریور ۱۳۷۲)، ص ۶۴.
- بابایی، حمیدرضا (۱۳۷۹)، *بررسی جایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان در جامعه شهری و روستایی همدان*. همدان: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان همدان.
- باقری، شهلا (۱۳۸۲)، *اشتغال زنان در ایران*. تهران: شورای فرهنگی-اجتماعی زنان.
- بهفروز، فاطمه (۱۳۷۰)، «بررسی ادراک محیطی و رفتار در قلمرو مطالعات جغرافیای رفتاری». *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*. شماره ۳۱، صص ۲۰-۷۱.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و ابراهیمی، محمدامیر (۱۳۸۱)، *نظریه‌های توسعه روستایی*. تهران: سمت.
- پاپی‌نژاد، شهربانوو محبی، فاطمه (۱۳۸۹)، *شاخص‌های سنجش وضعیت زنان و خانواده*. تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی-اجتماعی زنان.
- پورفیکویی، علی و بازن، مارسل (۱۳۸۳)، *دامداری و زندگی شبانی در گیلان*. ترجمه سیروس سهامی. رشت: دانشگاه آزاد اسلامی.
- خانی، فضیله (۱۳۸۶)، *درآمدی بر پارادایم جغرافیای جنسیت*. تهران: سمت.
- خلیلی، محسن (۱۳۸۶)، «آسیب‌شناسی مشارکت زنان در جامعه معاصر ایران». *پژوهش زنان*. دوره ۵، شماره ۲.
- خواججه‌نوری، بیژن و حاتمی، علی (۱۳۸۶)، «بررسی عوامل مؤثر بر میزان اشتغال زنان جوان استان‌های غربی کشور». *مجله اینترنتی جامعه‌شناسی ایران*. صص ۴۲-۵۳.
- دفتر امور زنان ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونسف) (۱۳۷۲)، *نقش زنان در توسعه*. تهران: روشنگران.
- رسول‌پورعربی، حسین (۱۳۷۶)، *بررسی نقش زنان در فعالیت‌های اقتصادی مناطق روستایی شهرستان رامسر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. کرمان: دانشکده ادبیات دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- سراج‌زاده، حسین و جواهری، فاطمه (۱۳۸۵)، «برابری جنسیتی در میان دانشجویان و متغیرهای زمینه‌ای و نگرش مرتبط آن». *جامعه‌شناسی ایران*. دوره ۷، شماره ۲، صص ۶۹-۸۵.

سرمدی، فریده، مالمیر، پوران و ساریخانی، ناهید (۱۳۷۳)، *زنان روستایی و اشتغال‌زایی آنان*. تهران: وزارت کشاورزی، معاونت برنامه‌ریزی و بودجه، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.

سروش‌مهر، هما، رفیعی، حامد، کلانتری، خلیل و شعبانعلی قمی، حسین (۱۳۸۹)، «بررسی پایگاه اقتصادی- اجتماعی زنان روستایی و عوامل مؤثر بر بهبود آن: مطالعه موردی شهرستان همدان». *فصلنامه پژوهش‌های روستایی*. سال ۱، شماره ۱ (بهار ۱۳۸۹)، صص ۱۴۳-۱۶۵.

شکویی، حسین (۱۳۷۵)، *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا (جلد اول)*. تهران: گیتاشناسی. شکویی، حسین (۱۳۸۲)، *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا (جلد دوم)*. تهران: گیتاشناسی. شهبازی، اسماعیل (۱۳۷۲)، *توسعه و ترویج روستایی*. تهران: دانشگاه تهران. عبدالله‌پور، مصطفی (۱۳۸۵)، «ضرورت اجرای طرح خروج دام از جنگل‌های شمال». بازیابی در: <http://marta83.blogfa.com/post-26.aspx>. قابل دسترسی در: ۱۳۸۹/۵/۲۳.

عظیمی، حسین (۱۳۸۳)، *جایگاه روستا در فرایند توسعه ملی از دیدگاه صاحب‌نظران*. به کوشش قدیر فیروزنیا و عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری. تهران: مؤسسه توسعه روستایی. علایی رحمانی، فاطمه (۱۳۷۴)، «بررسی نقش پنهان زنان روستایی در توسعه اقتصادی کشور». *مجموعه مقالات دومین سمینار سیمای زن در جامعه*، تهران: دانشگاه الزهرا. صالحین، شهرزاد (۱۳۸۲)، «نحوه صرف وقت زنان روستایی». *پژوهش زنان*. دوره ۱، سال ۳، شماره ۷ (پاییز ۱۳۸۲)، صص ۳۱-۵۹.

قره‌یاضی، هایده (۱۳۸۲)، «لزوم نگرش جنسیتی در تدوین برنامه چهارم توسعه». *ریحانه*. دوره ۱، سال ۱، شماره ۴.

کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۳)، «نقش اجتماعی شدن سیاسی و عوامل اجتماعی تعیین‌کننده در مشارکت سیاسی زنان». *مجموعه مقالات همایش مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

لهسایی‌زاده، عبدالعلی، جهانگیری، جهانگیر و خواجه‌نوری، بیژن (۱۳۸۴)، «بررسی مشارکت اقتصادی زنان روستایی: مطالعه موردی استان فارس». *جامعه‌شناسی ایران*. دوره ۶، شماره ۳.

لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۷۶)، *بررسی پایگاه طبقاتی زنان روستایی در ایران*. تهران: معاونت برنامه‌ریزی و پشتیبانی مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، *نظام حقوق زن در اسلام*. تهران: صدرا.

- نوری، هدایت‌اله و علی‌محمدی، نرگس (۱۳۸۸)، «تحلیلی بر فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی: مطالعه موردی شهرستان اصفهان». *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*. سال ۲۰، شماره ۲ (تابستان ۱۳۸۸)، صص ۸۷-۱۰۴.
- وثوقی، منصور و یوسفی آقابین، افسانه (۱۳۸۴)، «پژوهشی جامعه‌شناختی در زمینه مشارکت اجتماعی زنان روستایی روستای آغکند شهرستان میانه». *نامه علوم اجتماعی*. سال ۱۲، شماره ۳ (تابستان ۱۳۸۴)، صص ۱۲۳-۱۳۹.
- ویسی، هادی و بادسار، محمد (۱۳۸۴)، «بررسی عوامل مؤثر بر نقش اجتماعی زنان در فعالیت‌های روستایی: مطالعه موردی استان کردستان». *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۸، شماره ۴ (زمستان ۱۳۸۴)، صص ۱۹-۴۲.
- Afshar, H. (1998), *Women and Empowerment: Illustrations from the Third World*. London: Macmillan.
- Chuma, J. and Molyneux, C. (2009), "Estimating inequality in ownership of insecticide treated nets: does the choice of socioeconomic status measure matter?". *Health Policy and Planning*. Vol. 24, No. 2, pp. 83-93.
- FAO (1999), "Asian women in agricultural and rural production Bhutan". Available on: www.fao.org/sd/wpdirect/WPre0105.htm. (Retrieved at: 21/11/1389, 10:06)
- Johnston, R. J. et al. (1998), *The Dictionary of Human Geography*. Oxford: Blackwell.
- Lindelow, M. (2006), "Sometime more equal than others: how health inequalities depend on the choice of welfare indicator". *Health Economics*. Vol 5, No. 3, pp. 263-279.
- Marmot, M. (2004), *The Status Syndrome: How Social Standing Affects Our Health and Longevity*. New York: Owl Books.
- Peet, R. and Watts, M. J. (1996), *Liberation Ecologies: Environment, Development, Social Movements*. New York: Routledge.
- Robbins, Paul (2004), *Political Ecology: A Critical Introduction*. Oxford: Blackwell.
- Rostow, Walt W. (1960), *The Stage of Economic Growth: A Non-communist Manifesto*. Cambridge: Cambridge University.

- UN (1999), "Improvement of the situation of women in rural areas". Report of the Secretary General:1-5. Available on:
http://www.iom.int/jahia/webdav/shared/shared/mainsite/policy_and_research/un/60/A_60_165_epdf . (Retrieved at: 21/11/1389, 10:28)
- Zobeidan, A. (1994), "Rural women and their work dependence and alternatives for change". *International Labor Review*. Vol. 123, No. 1 (January and February), pp. 123-141.